

## **The Representation of Individuality in Virtual Space**

### **From the decidability of everyday life to the online interrupted subjectivity**

**Ehsan Aqababae\***

**Jamal Mohammadi\*\***

#### **Abstract**

This article tries to study the Iranian subject's attempt to represent / construct her/his individuality in cyberspace. For doing so, in order to interpret the birth and development of Iranian subject, we have first introduced a brief description of the emergence of modern subject and its conceptual and concrete transformation, especially in late modernity; then we have analyzed the different dimensions of this embodied self-actualization by way of semiotic interpretation of images in virtual space. The findings showed that Iranian subject, in attempting to pursue the project of self-actualization in this era, has exactly encountered the same risks, ambivalences and contractions that have made his everyday life interrupted, conflicting and contradictory. Although this subject has achieved a variety of options to choose in the sphere of everyday life, but has lost his ability to self-actualization in the face of rituals and big other. The sterilization of everyday life in

\* Assistant Professor, Faculty of Literature and Humanities, Department of Social Sciences,  
University of Isfahan, Isfahan, Iran, (Corresponding Author), ehsan\_aqababae@yahoo.com

\*\* Assosiat Professor Department of Sociology University of Kurdistan, Sanandaj, Iran,  
m.jamal8@gmail.com

Date received: 18/04/2021, Date of acceptance: 19/07/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

the real world in Iran and the attempt of individuals to revive it in virtual space has caused a life form in which interrupted subjects are born.

**Keywords:** subject, individuality, everyday life, rituals, online space, the other.

## بازنمود فردیت در فضای مجازی:

### از انتخابی شدن زندگی روزمره تا سوژه آنلاین از هم گسیخته

احسان آقابابایی\*

جمال محمدی\*\*

#### چکیده

این مقاله می‌کوشد تلاش سوژه ایرانی برای بازنمایی/برساخت فردیت خویش در فضای مجازی را مطالعه کند. برای انجام این کار، به‌منظور فهم چگونگی تولد و رشد سوژه ایرانی، نخست شرحی موجز از تولد سوژه مدرن و سیر دگرذیسی مفهومی و انضمامی آن، به‌ویژه در مدرنیته متأخر، به‌دست داده است؛ سپس با اتکا بر تحلیل نشانه‌شناختی تصاویر بازنمودشده در فضای مجازی سویه‌های گوناگون تجلی سوژگی ایرانی را مطالعه کرده است. نتایج نشان می‌دهد که سوژه ایرانی در تلاش برای تحقق فردیت خویش در روزگار حاضر درست در کشاکش رودررویی با همان ریسک‌ها، بیم‌ها و تلاطم‌هایی است که زندگی روزمره او را دستخوش چندپارگی، نوسان، بیم‌زدگی و تعارض کرده‌اند. این سوژه به‌رغم آن‌که قدرت انتخاب بیشتری در زندگی روزمره پیدا کرده است، در مواجهه با مناسک، شعایر، فضاها و جمع‌های جمعی و دیگری فربه توان‌اش برای شکوفایی خویش‌تن تحلیل رفته است. سترون‌شدن زندگی روزمره در وضعیت واقعی جامعه ایران و تلاش سوژه‌ها برای احیای آن در جهان مجازی به خلق شکلی از زندگی انجامیده است که از دل آن

\* استادیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، ehsan\_aqababae@yahoo.com

\*\* دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، m.jamal8@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

سوژه‌هایی سرخورده، از هم‌گسیخته، تسلیم به دیگری، محوشده در مناسک و واپس‌رفته به کودکی سر بر آورده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** سوژه، فردیت، زندگی روزمره، مناسک، فضای آنلاین، دیگری فریه.

## ۱. مقدمه

فرهنگ ایران کنونی از سه میراث تمدنی عمده، که در تاریخ معاصر به هم مفصل‌بندی شده‌اند، تغذیه می‌کند: میراث باستانی، اسلامی و مدرنیستی (تاج‌الدین، ۱۳۹۷: ۱۶). این مفصل‌بندی اصلی‌ترین بستری بوده است که هویت فرد ایرانی در متن آن شکل گرفته و دستخوش انواع تناقضات و نوسانات شده است. فرد ایرانی همواره در مقابل این پرسش قرار گرفته که «خویشتن خویش یک ایرانی چیست؟» و اگر در پی تحقق این «خویشتن» هستیم یا قصد بازگشت به آن را داریم (چنان‌که آل‌احمد، شریعتی، نراقی، فرید و مدافعان ایران باستان قصد داشته‌اند)، این «خویشتن» کدام است؟ خویشتن چه مقطعی از مقاطع تاریخی مدنظر است؟ باستان‌گرایان بر نوعی خویشتن اصیل ایرانی تأکید می‌کنند و معتقدند که فقط در صورت احیای فرهنگ و تمدن اصیل ایرانی می‌توان آن را دوباره احیا و پیدا کرد. در دوران پهلوی اول و دوم این گفتار مسلط بود و آپاراتوس سیاسی تمام سعی‌اش بود که خویشتن باستانی اصیل ایرانی را در متن نوعی تجددگرایی آمرانه به‌عنوان یگانه‌الگوی هویت فرد ایرانی معرفی کند. این گفتمان غالباً به گذشته نظر دارد و فرهنگ و خویشتن اصیل ایرانی را در گذشته جستجو می‌کند. به‌قول کاپوشینسکی «جوامعی که ذهنیتی تاریخی دارند همواره روی به گذشته دارند و تمام امیدشان به زمانه‌ای شکوه‌مند در گذشته است. آن‌ها دانش تاریخ را تا حد بررسی مرده‌ریگ‌های گذشته، که جز یاد و خاطره‌ای از آن باقی نمانده است فرو می‌کاهند» (کاپوشینسکی، به‌نقل از بروجردی، ۱۳۸۹). این ایده که ملیت صرفاً منظومه‌ای از سنت‌های برساخته است و تاریخ سرشتی ناپیوسته دارد چندان در این گفتمان پذیرفتنی نیست. لذا غالباً سعی می‌شود تنوع و تکثر زبانی، فرهنگی و فکری جامعه ایران به ناسیونالیسم مبتنی بر زبان پارسی و فرهنگ باستانی فروکاسته شود.

در گفتمان اسلامی ملیت جای خود را به مقوله امت می‌دهد که اصلی‌ترین قالب تحقق خویشتن فرد است. اما در گفتمان مدرنیستی باور بر این است که مدرن‌شدن ایران و

گسست از سنت‌های باستانی و دینی یگانه طریق تحقق فردیت است. نزد مدرنیست‌ها مضامین بازگشت، احیا، کشف مجدد، اصالت، گذشته و خویشتن گم‌شده به دال‌های حاشیه‌ای بدل شده و آینده و پیشرفت و تکثر مهم می‌شود. این گفتمان البته در صورت‌بندی معتدل‌ترش کلیدواژه‌ای باعنوان مدرنیته ایرانی جعل کرده است که مطابق آن مدرن‌شدن ایران به‌هیچ‌وجه مشروط به کنار نهادن میراث باستانی و اسلامی گذشته نیست بلکه بازسازی مدرن این میراث یگانه طریق راهگشای تحقق فردیت است. مدافعان بومی‌کردن مدرنیته معتقدند که علم مبتنی بر پیش‌فرض‌های اروپامحور و استعماری و در خدمت بقای نظام جهانی غرب‌سرور است. این‌ها در اعتبار عقل عینی، اومانیزم، ایده پیشرفت، معرفت‌فراهرنگی و نیز دوگانگی دین و علم تردید دارند. از این منظر، «دیگری»های غرب باید نظریه‌هایی صورت‌بندی کنند که در تفکر بومی و تجربه‌های تاریخی و فرهنگی خودشان ریشه دارد، نه این‌که بر فلسفه غرب حاشیه بنویسند. علم مدرن مبتنی بر نوعی امپریالیسم روش‌شناختی است که مطابق آن، مثلاً روان‌شناسی امریکایی به جای آن که جهانی بیندیشد و آن اندیشه را به‌صورت محلی به کار ببندد، محلی می‌اندیشد و حاصل کارش را حائز کارآمدی جهانی می‌داند و عقلانیت‌های محلی غیر غربی را نادیده می‌گیرد. لذا اصلی‌ترین وظیفه کشورهای غیر غربی «از آن خود ساختن» مدرنیته است.

نطفه ورود مدرنیته به ایران با شکست‌های پی‌درپی ایران از روسیه و احساس نیاز به یک ارتش قدرتمند شکل گرفت و سپس با برنامه مدرنیزاسیونی پهلوی اول رشد نمود (بهنام، ۱۳۹۴). اقدامات رضاشاه در جهت تغییر در کالبد جامعه ایرانی و به‌قصد ایجاد یک دولت - ملت واحد بود. ساخت جاده‌ها، نهادها و تدوین قوانین جدید عینیت جامعه ایران را دستخوش تغییر قرار داد. سوژه‌های روستایی ایران می‌بایست کلاه پهلوی بر سر می‌گذاشتند یا چادرشان را با لباس‌های قرن هجدهمی فرنگی عوض می‌کردند تا بتوانند در شهرهای جدید سوژه‌های مدرن لقب بگیرند. سوژه مدرن ایرانی در واکنش به مدرنیزاسیون آمرانه پهلوی به گفتمان «بازگشت به خویشتن» گرایش پیدا کرد و در انقلاب اسلامی به زیست‌جهان پیشامدرن بازگشت.

با تثبیت انقلاب اسلامی در دهه ۱۳۶۰ و هژمونیک‌شدن گفتمان دینی، سازوکاری در ایران برای برساخت «سوژه قدسی» شکل گرفت. سوژه قدسی انسانی انقلابی، مؤمن، متعهد، متکلف، ایثارگر، اخلاق‌مدار و هم‌نوا با ارزش‌های نظام جدید بود. این سوژه بنا بود

سوژه‌ای باشد که با حرکت به اوج ظرف وجودی انسانی سایر ملازمات این جهانی را رعایت کند، یعنی با اتکا بر انگیزش درونی به قوانین راهنمایی احترام می‌گذارد، اخلاق شهروندی را رعایت می‌کند، طبیعت را گرامی می‌دارد، اخلاقیاتی دینی او را از معصیت پالوده کرده و راه برای سعادت فراهم خواهد شد. وقوع جنگ ایران و عراق، سوژه قدسی را از طریق جهاد اکبر به مقام شامخ شهادت می‌رساند و بنیان او را تقویت می‌کرد.

از دهه ۱۳۷۰ همزمان با پایان جنگ هشت ساله و ظهور سیاست‌های اقتصادی گفتمان سازندگی، سقوط اتحاد جماهیر شوروی، رشد جهانی لیبرالیسم، سیاست‌های فرهنگی گفتمان اصلاحات و گسترش فضای مجازی، سوژه ایرانی وارد یک جامعه پسانقلابی یا جامعه کژمدرن شد. این جامعه از رهگذر نوعی دگردیسی نامریی پدید آمد و در آن ارزش‌های مادی جای ارزش‌های معنوی را گرفتند. جامعه جدید، در سیر گذار از قدسی بودن به عرفی شدن، به جامعه‌ای بدقواره و آکنده از تناقض بدل شد که به سمت فراغتی شدن و مصرفی شدن حرکت می‌کرد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶؛ کاظمی، ۱۳۹۵؛ جلالی‌پور، ۱۳۹۲). جامعه پسانقلابی سوژه جدیدی را بر ساخت که بیشتر از گذشته متکی به «خود» بود. نتیجه این روند، فراگیر شدن فردیت در بین قشرهای متوسط جدید به خصوص در کلان شهرها بود. افزایش تحصیلات، افزایش مشارکت اجتماعی زنان و رشد آگاهی اجتماعی از عوامل مهم تکوین سوژه فردگرا بودند. گاهی این فردگرایی سر از نوعی «فردگرایی رادیکال افراطی» (ارمکی، ۱۳۹۳) در آورد که بر اثر عدم رشد سازوکارهای دموکراتیک به درس‌خوانی افراطی، سودجویی افراطی، لذت‌طلبی افراطی، افزایش فرارمغزها، گوشه‌گیری و اعتیاد انجامید (جلالی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۴۰). تبلور سوژگی پسانقلابی را می‌توان بیش از هر جا در «پروژه خود» (self project) دید. در واقع می‌توان با مطالعه عمیق زندگی روزمره و نوع رابطه آن با نهادها و گفتارهای مسلط خوانشی ژرف از وضعیت تحقق یا عدم تحقق فردیت در ایران معاصر به دست داد. لذا کوشش این جستار آن است که با رفتن به عمق کشاکشی که بین زندگی روزمره و سیاست در ایران وجود دارد قرائتی نقادانه از تناقض‌ها، نوسان‌ها، گسیختگی‌ها و شکاف‌هایی که سوژه ایرانی در متن آن‌ها برای رشد خویش تقلا می‌کند، ارائه دهد.

مسئله اصلی این نوشتار آن است که سوژه ایرانی چگونه، به تناسب فضاهای جمعی موجود، به گونه‌های متعدد ضعیف و ناقص منقسم شده است و در مواجهه با دیگری‌های

جمعی از تحقق خویش ناتوان مانده است. بدنه اصلی این جستار را تحلیل نشانه‌شناختی فضاها و جمعی به قصد فهم انتقادی فرایند عدم تحقق فردیت در ایران معاصر تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب هدف نهایی ارایه تحلیلی انتقادی از این مسئله است که چگونه در ایران معاصر فردیت مدرن در متن منظومه‌ای چندشقی از فضاها و جمعی (مناسک، شعایر، سنت‌ها، محافل، کامیوتی‌ها و دیگر انواع اجتماعات قبیله‌ای مدرن) به گونه‌های مختلف چندپاره، محدود و له می‌شود.

## ۲. رویکرد نظری

سوژه کسی است که جهان را تجربه می‌کند و با آن کنش متقابل دارد (Malpas, 2005: 56)، یعنی در مرکز عالم قرار دارد و جهان ابژه‌ها را می‌بیند و حس می‌کند. همچنین بر اساس انگیزه‌ها و علایق خود در مواجهه با دیگر افراد و پدیده‌های پیرامون تصمیم می‌گیرد، دست به کنش می‌زند و فکر می‌کند. به بیان دیگر، «من فکر می‌کنم به منزله‌ی وسیله‌ای برای مفاهیم فاهمه، نوری است که تجربه را روی فهم پذیری‌اش باز می‌کند» (میلر، ۱۳۸۸: ۲۳۴). این تلقی اومانستی از سوژه که در سده‌های هفدهم و هجدهم سیطره داشت در سده‌های نوزدهم و بیستم با پیدایش مارکسیسم، روانکاو، پسا ساختارگرایی و فمینیسم به چالش کشیده شد. سوژه محصول روشنگری بود و بالاخص برآمده از دو رخداد مهم انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی.

اصل اساسی انقلاب فرانسه، همانطور که در مانیفست اولیه‌ی آن آمده است، بیانیه‌ی حقوق انسانی و شهروندی بود که همه‌ی انسان‌ها آزاد زاده شده‌اند و حقوق برابر دارند. انقلابیون فرانسه به نام آزادی، برادری و برابری تلاش کردند که خرد را به جای سنت و حقوق برابر را به جای امتیازات، جانشین کنند (Scott & Ordes, 2006: 8).

«انقلاب صنعتی نیز شکل‌بندی اجتماع را تغییر داد و آن را از جامعه‌ی روستایی با اقتصاد معیشتی محدود، به جامعه‌ای شهری با اقتصاد گسترده تبدیل کرد و سعی نمود که قید و بندها و سلسله‌مراتب جامعه‌ی سنتی را منحل نماید» (Demant, 2006: 90). نتیجه‌ی این تحولات نوین به رسمیت‌شناختن انسان به عنوان ارباب، کنترل‌کننده، سلطان جهان و حاکم بر سرنوشت خویش بود؛ در این معنا، سوژه‌ی مدرن یکی از اصلی‌ترین تولیدات مدرنیته بوده است. اما مدرنیته نیمه‌ی تاریکی نیز داشت. رشد کسالت، ملال و ناآرامی در

قرن بیستم وعده‌های خرد، علم و تکنولوژی را زیر سؤال برد. «جنگ‌های جهانی، آلودگی زیست‌محیطی، رشد سلاح‌های کشتار جمعی، افزایش طلاق و انهدام خانواده و مکانیکی شدن زندگی وضعیت سوژه را مبهم‌تر کرد» (Ibid, 90). به قول والتر بنیامین (Walter Benjamin)

نسلی که جنگ را تجربه کرده بود، نسلی که با تراموای اسب‌کش به مدرسه رفته بود، اکنون زیر آسمان باز در محیطی بیرون شهری ایستاده بود، جایی که در آن هیچ چیز از تغییر مصون نمانده بود مگر ابرها و در زیر این ابرها، در میدان نیروی رگبارها و انفجارهای ویران‌گر، جسم کوچک و آسیب‌پذیر انسانی قرار داشت (مکوئیلان، ۱۳۸۸: ۷۵).

در این شرایط حتی روشنفکران، ضمن وقوف به ناتوانی خود در تأثیرگذاری بر جهان، دریافته‌اند که رسالت‌شان نه تغییر جهان بلکه حداکثر، کوشش برای درک آن است. چنین بود که پس از جنگ دو جنبش هرمنوتیک فلسفی و ساخت‌گرایی علمی بر بحران مدرنیته، عسرت آن و زوال روزافزون استقلال سیاسی تأکید نهادند (دولا کامپانی، ۱۳۸۲: ۴۳۷). اگر در اواسط قرن بیستم، اگزستانسیالیسم سارتر (Jean Paul Sartre) بشر را موجودی واجد اصالت، مسئول اعمال خود و آزاد در شکل‌دادن خود معرفی می‌کرد، ساختارگرایان سوژه‌ها را صرفاً حاملان زبان می‌دانستند. به‌باور اینان مادام که به تغییر، فرآیند و حتی نمونه‌ی تجربی منفرد توجه نشود، می‌توان به آسانی نیات و کنش‌های سوژه‌های انسانی (خواه سوژه‌های فردی و خواه سوژه‌های جمعی) را به‌عنوان چیزهایی که هیچ ربطی به خصلت‌های ساختاری نظام‌ها ندارند، دور انداخت (میلز و براویت، ۱۳۸۵: ۱۴۱). یعنی درست همان‌گونه که روانکاوی، سوژه را از جایگاه سیطره بر حیات ذهنی خویش به‌زیر کشید، زبان‌شناسی سوسوری نیز او را از جایگاه سیطره بر گفتار خود بیرون راند و نشان داد که «گفتمان خرد» غالب، یعنی پاره‌گفتارهای منفرد، چیزی بیش از تجلی محلی نظام بزرگ زبان نیست و این گفتار فردی به‌طور کامل تابع قوانین غیرشخصی نظام زبان است: من فکر نمی‌کنم بلکه من فکر می‌شوم. شما صحبت نمی‌کنید شما صحبت می‌شوید. اندیشه و بیان در جای دیگری قرار دارد (دیویس، ۱۳۸۶: ۸۱).

در نیمه‌ی دوم قرن بیستم و با وقوع تحولات ۱۹۶۸ گروه‌هایی از مردم که پیش از آن در یک جامعه‌ی تک‌صدایی، صدای‌شان شنیده نمی‌شد، توانستند علایق خود را در حوزه‌ی



عمومی مطرح کنند. زنان، اقلیت‌های قومی/نژادی و همجنس‌گرایان از این دسته بودند. متفکران جدیدی پا به عرصه گذاشتند که دیگر آگزستانسیالیسم، مارکسیسم و ساختارگرایی برای آن‌ها معنا و جذابیتی نداشت. فضای جدید به آن‌ها القا می‌کرد که «خدا مرده است، مارکس هم که کاری پیش نبرد، من هم اوضاع روبه‌راهی ندارم». این پساساختارگرایان هم چون ساختارگرایان گرایشی ضداومانیستی داشتند: «خود» منفصل و عقلانی جای خود را به ساختارهای گفتمانی یا زبانی داد که واحدهای بنیادین زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دادند. اینان بر نقش زبان در شکل‌گیری ذهنیت فردی و نهادهای اجتماعی تأکید کردند و نشان دادند که تمامی دعوی‌های شناسایی یا توجیه یک نظم/جامعه/دانش/اخلاق بر اساس چیزی ورای سنت‌ها یا اجتماعات، شکست خورده است و در پس اراده‌ی دانش، اراده‌ی قدرت قرار دارد (سیدمن، ۱۳۸۶: ۲۲۱). از این منظر، سوژه مدرن اکنون چیزی است و پاشیده و محصول پراکتیک‌های گفتمانی و روابط قدرت، موجودی که دائماً از قفسی به قفس دیگر نقل مکان می‌کند و هیچ مفرّی برای رهایی از چنگال قدرت ندارد. این سوژه‌ی ازهم پاشیده مالک افکار و رفتار خود نیست بلکه بر طبق قواعد زبانی دست به کنش می‌زند و به میانجی ایدئولوژی یا میل برساخته می‌شود؛ زیرا «اگر زیر هر سنگ‌فرشی ماسه است، پس یقیناً در لایه‌ی زیرین دال، در لایه‌ی زیرین زبان، میل نهفته است» (لش، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

### ۳. سوژه خودآیین

سوژه مدرن یا سوژه‌ی روشنگری که در عبارت مشهور «من فکر می‌کنم پس هستم» تجلی می‌یابد، تصویری از یک فرد یکپارچه و آگاه است که به وسیله‌ی ظرفیت‌ها و استعداد‌های عقلانی‌ای مشخص می‌شود که به فرد اجازه می‌دهد جهان را برحسب ویژگی‌های واقعی آن تجربه و احساس کند. از این منظر موجودات بشری، افراد یکپارچه، متمرکز و کامل با هسته‌ای درونی هستند. به دلیل آنکه این سوژه فکر می‌کند، پس وجود دارد و اخلاق و قانون با مسأله‌ی مسئولیت افراد برای کنش‌هایشان در نظر گرفته می‌شود (Barker&Galasinski 2004: 40). در این سوژه صورت‌های پیشین تجربه و مفاهیم ناب فاهمه به وسیله‌ی خودآگاهی ناب متحد می‌شوند که این خودآگاهی ناب در بازنمود «من فکر می‌کنم» نمایان می‌شود. این خودآگاهی استعلایی، خاستگاه سوژه بودگی

ماست و شرط امکان تمام شناخت ما از تجربه است. سوژه‌ی استعلایی را نمی‌توان «خودی» دانست که بتوان به شخص منفردی نسبت داد، پس سوژه‌ی استعلایی ساختاری صوری است یعنی مجموعه‌ای از قواعد که وجود اشخاص منفرد را اندیشه‌ورز می‌سازد (سجویک، ۱۳۸۸: ۸۶).

#### ۴. سوژه‌ انضمامی

در نظریه‌ی اجتماعی مدرن، سوژه معنا و دلالتی دوپهلوی و تناقض‌آمیز دارد. نظریه‌پردازان این حوزه هنگام صحبت از سوژه، از یک سو لحنی ناظر بر اصالت اراده و اختیار انسان دارند. در این تلقی، سوژه معادل عاملیتی است که در چارچوب کنش‌های متقابلی که افراد و گروه‌ها به واسطه‌ی آن در مقام عاملان بازتولید و تغییر و تحول اجتماعی عمل می‌کنند، دست به کنش می‌زند (جی‌دان، ۱۳۸۵: ۴۱۴). جامعه‌شناسان طرفدار فردگرایی روش‌شناختی از این دیدگاه حمایت می‌کردند و سوژه‌های انسانی را در مرکز توجه خود قرار دادند. این سوژه یا سوژه‌ای شبیه انسان اقتصادی آدم اسمیت بود که در پی حداقل هزینه و حداکثر سود دست به کنش می‌زد (نظریه‌ی انتخاب عقلانی و نظریه‌ی مبادله) یا سوژه‌ای که در یک رابطه‌ی بیناسوژگانی معانی کنش‌های دیگران را تفسیر می‌کرد و جامعه، طبقه و ساختار چیزی جز تلفیق و عجین شدن این کنش‌ها نبود (نظریه‌ی کنش متقابل نمادین و نظریه‌ی نمایشی). این رویکرد به سوژه در جامعه‌شناسی وجودی، روش‌شناسی مردم‌نگر و پدیدارشناسی به صورت مختلف مطرح شده است. در سوی دیگر، جامعه‌شناسانی قرار دارند که سوژه را به‌تمامی تابع تعینات اجتماعی می‌دانند. از این منظر پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی قلمروهای مستقلی به حساب می‌آیند که بر سوژه‌ها نیرو وارد می‌کنند. دورکیم معتقد بود «انسان هستومندی دوجهبی است و دو هستی در درون او وجود دارد: هستی فردی که بنیانش ارگانیک است و هستی اجتماعی که بالاترین واقعیت را در نظم اخلاقی و فکری بازنمایی می‌کند» (Morris, 1985: 722). این اصل مسلم دورکیم که واقعیت اجتماعی باید برحسب سایر واقعیت‌های اجتماعی تبیین شود و قلمرو اجتماعی از فاکتورهای محیطی و روانشناختی مستقل است، زمینه را برای تحقیقات پوزیتیویستی‌ای فراهم کرد که در آن سوژه‌ها تبدیل به پرسش‌شوندگان در تحقیقات پیمایشی شدند و نگرش آنان به جهان در گرو اثبات یا رد فرضیه‌های معنادار بود. مارکس نیز طبقات را موتور محرکه‌ی

تاریخ می‌دانست و هستی مستقلی برای امر بیرون از سوژه قائل بود و سوژه‌ی بشری را افسانه‌ای متافیزیکی (metaphysical fiction) می‌پنداشت (Ibid, 724). هر چند مارکسیست‌های هگلی یا سنت اومانیستی اجتماعی کسانی چون ژان پل سارتر، هربرت مارکوزه و اریش فروم تاریخ را به‌عنوان پروژه‌ی سوژه‌ی بشری در نظر گرفتند، اما مارکسیست‌های متأخر مثل آلتوسر تاریخ را پروسه‌ای بدون سوژه تعریف کردند و به همان نسبت در مطالعات فرهنگی تأثیرپذیری از آلتوسر در مفهوم موقعیت‌های سوژگی (subject positions) خود را نشان داد و در نگاه ساختارگرایان به جامعه نیز سوژه عملاً جایی نداشت.

## ۵. سوژه استحال یافته

سوژه‌ی پست‌مدرن با واژه‌هایی چون نانسان (the inhuman)، سایبورگ و ماتریس معرفی می‌شود که اول بار با پروبلماتیک‌شدن سوژه‌ی مدرن در هنر و ادبیات خود را نشان داد. در فیلم *ترمیناتور* ساخته‌ی جیمز کامرون سوژه - ماشین‌هایی به دنیای انسان‌ها می‌آیند که ظاهر انسانی دارند اما روبات هستند. در فیلم *بلید رانر* آدمواره‌های ساخته‌ی دست بشر حضور دارند که همه چیزشان شبیه انسان‌هاست اما فاقد خاطره هستند، چراکه خانواده‌ای نداشته‌اند. ظهور این سوژه را می‌توان زاییده‌ی منطق سرمایه‌داری متأخر دانست و فرایند شکل‌گیری آن در آرای نظریه‌پردازان انتقادی‌ای مثل تئودور آدورنو تحلیل شده است. آدورنو ادعا می‌کند که بشر به‌طور اوریجینال هم سوژه و هم ابژه است. تحت سلطه‌ی نظام سرمایه‌داری، سوژه‌ها به ابژه تبدیل شده و دچار شیء‌گشتگی می‌شوند. از نظر وی دو نوع سوژه وجود دارد: یکی سوژه‌ی واقعی که توسط ارزش مبادله سرکوب می‌شود و دیگر سوژه‌ی ابژکتیو که واقعی نیست و ماحصل ارزش مبادله است. به‌زعم آدورنو ما با سوژه به‌مثابه‌ی تحریف سوژه مواجهیم. در مورد سوژه‌ی ابژکتیو می‌توان به زامبی (zombie) به معنای روحی که در فیلم‌های ترسناک به تن حلول می‌کند اشاره کرد: مثل *فرانکشتاین* مری شرلی. *قهرمان رمان ۱۹۸۴* در جایی می‌گوید: ما مرده‌ایم، ما به‌طور فیزیکی مرده‌ایم نه... مرگ و زندگی چیز یکسانی‌اند (Hawkes, 2003:173-174). دونا هاراوی (Donna Haraway) عقیده دارد که در عصر پست‌مدرن باید از شکسته‌شدن سه مرز سخن گفت: ۱- مرز انسان و حیوان؛ ۲- مرز ارگانیزم و ماشین؛ و ۳- مرز میان امر

فیزیکی و امر غیر فیزیکی. در مورد اول دانشمندان درباره‌ی زندگی میمون‌ها کشف‌هایی داشته‌اند که نشان می‌دهد که فرهنگ و زبان را نمی‌توان منحصرأ به دست‌آوردهای انسان محدود کرد. در مورد دوم می‌توان گفت که ماشین‌ها در شکل‌های مدرن زندگی امروز ادغام شده‌اند و در مورد سوم می‌توان به رشد با اهمیت اشیاء فرهنگی مثل رسانه‌ها، کامپیوتر، سبک زندگی و ... در اقتصاد مدرن ارجاع داد. این مرزهای شکسته‌شده سوژه‌هایی جدید خلق می‌کنند. به‌طور مثال، سوژه‌ی سایبورگ سوژه‌ای است در بطن زندگی امروز که قلب‌های مصنوعی در سینه‌ی انسان به جای قلب معیوب جای‌گذاری شده‌اند (Oswell, 2008: 133).

## ۶. سوژه چندپاره

سوژه مدنظر پسا‌ساختارگرایان به‌هیچ‌وجه محور کنش‌های متقابل مربوط به مؤلف یا مشارکت‌های طبیعی یا حتی یک فرد دارای امتیاز مجزای آگاهی نیست (Alcoff, 1988: 415). باتلر (Butler) مفهوم سوژه‌ی فردی را به‌عنوان یک «گمراه‌سازی دستوری» (seduction of grammar) توصیف می‌کند (Butler, 1997: 138)؛ حال از سوژه به‌عنوان یک «فانتزی تلفیقی» (fantasy of incorporation) یاد می‌کند (Hall, 1996: 3) و ماسومی (Massumi) از شخص به‌عنوان «مقوله‌ی تهی» (empty category) سخن می‌گوید (Massumi, 1992: 82). به‌زعم پسا‌ساختارگرایان با همه‌ی مقوله‌ها، پروسه‌ها، نیروها و نقاطی که هویت افراد را به فانتزی باثبات وصل می‌کند، خود سوژه به‌وسیله‌ی مرزهای نمادین «من» دستوری مشخص می‌شود و همه‌ی این امور به موقعیتی منجر می‌شود که در آن سوژه «شناخت‌های نادرست» از خودش را به‌عنوان «مؤلف واقعی تفکرات، نوشته‌ها و گفته‌های خودش» کسب می‌نماید (Weedon, 1987: 105). به‌قول فوکو، شناخت نادرست از طریق شکلی از قدرت که افراد را سوژه می‌سازد، اتفاق می‌افتد (Foucault, 1983: 212).

لنز نظری این مقاله مبتنی بر مفهوم محوری «سوژه» است، سوژه‌ای که در متن و به‌شیوه‌ای گفتمانی بر ساخت می‌شود. ایضاً سوژه مورد مطالعه سوژه ایرانی است که بنا به مفروضات این تحقیق به دو شیوه و در دو جا بر ساخت می‌شود، یکی به میانجی زبان تصویر که با اتکا به قواعد خود، سوژه را انتخاب و در بطن خود بر می‌سازد، و دیگری در متن مواجهه پژوهشگر با جهان تجربی، یعنی به‌واسطه‌ی رویه‌ی عملی حاکم بر انجام پژوهش.

بازنمود فردیت در فضای مجازی: ... (احسان آقابابایی و جمال محمدی) ۱۳

سوژه ایرانی مورد مطالعه در این تحقیق سوژه‌ای است که به‌میانجی تصاویر بازنمایی شده در فضای مجازی برساخت شده است و در مرتبه دوم به‌واسطه تحلیل نشانه‌شناختی آن تصاویر تفسیر و برساخت مجدد می‌شود.

## ۷. روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این مقاله نشانه‌شناسی است. به‌رغم وجود تعاریف گوناگون از نشانه‌شناسی، در تعریفی عام آن را علم مطالعه نشانه‌ها معرفی کرده‌اند (Noth, 2014: 3). نشانه‌شناسی هم علمی متشکل از یافته‌ها و نظریه‌هایی خاص و هم تکنیکی است برای مطالعه هر چیزی که نشانه‌ها را تولید می‌کند (سیبیاک، ۱۳۹۱: ۳۰). در این مقاله، نشانه‌های موجود در تصاویر مبنا قرار می‌گیرند. این تصاویر معانی را هم به‌واسطه ایماژهای خود و هم به‌واسطه شرایط اجتماعی تولید و دریافت، عرضه می‌کنند (Rose, 2002: 99). بنیان پارادایمی این تحقیق هستی‌شناسی ایدئالیستی و معرفت‌شناسی برساختی است. اهمیت ایضاح این موضع معرفت‌شناختی از آن روست که نظام‌های ارتباطی که ابداع می‌کنیم چگونگی دیدگاه ما نسبت به جهان را قاب‌بندی یا حتی تعیین می‌کند (هال، ۱۳۹۷). از این‌رو واقعیت در نشانه‌های مورد مطالعه مخفی و منتظر کشف شدن نیست بلکه دانش فرهنگی پژوهشگران، دانش ناشی از پیشینه تجربی و معانی متنی در هم تلاقی یافته و معرفت حاصل می‌شود.

## ۸. تکنیک تحلیل

در انجام پژوهش نشانه‌شناسی هم می‌توان نظریه یک نشانه‌شناس را مبنا قرار داد و هم می‌توان آنها را با هم تلفیق کرد. در این مقاله تکنیک دوم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این‌جا، ملهم از رز (۲۰۰۲) و اکو (۱۳۹۶)، به ترتیب عمل می‌کنیم: ۱- نشانه‌های موجود در تصاویر را مشخص می‌کنیم. این نشانه‌ها شامل انسان، کنش، اشیا، محیط و کلمات است. ۲- معین می‌کنیم هر نشانه چه دلالتی دارد. معنای هر نشانه ناشی از دانش فرهنگی پژوهشگران است. به عنوان مثال یک شی نقره‌ای رنگ براق بر لوکس بودن دلالت دارد. جنگل و دریا نشانه‌ای از طبیعت بکر است. ۳- بررسی می‌کنیم چگونه یک

نشانه با نشانه‌های دیگر داخل تصویر رابطه دارد. ایجاد این رابطه مبتنی بر رابطه هم‌نشینی است. ۴- با بررسی ارتباط نشانه‌ها به نظام‌های گسترده‌تر معنا می‌پردازیم. در این مرحله پژوهش‌گران دلیل وجود هم‌نشینی در مرحله قبل را می‌یابند. مثلاً چرا در یک عکس یک مرد خندان در کنار دریا نشسته است. ۵- از طریق نظام‌های معنا به رمزگان فرهنگی پل می‌زنیم. صورتبندی رمزگان فرهنگی از طریق برساخت یافته‌های چهار مرحله قبل و پیشینه تجربی محقق می‌شود.

## ۹. حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

میدان مطالعه پژوهش حاضر فضای مجازی است چراکه امروزه فضای مجازی نه فقط خود بخشی از زیست‌جهان فرد ایرانی بلکه از جمله گویاترین ابزارهای بازنمایی این زیست‌جهان است. منطق نمونه‌گیری از نوع ترکیبی (نمونه‌گیری نمونه مشهور، نمونه‌گیری تأییدی و نمونه‌گیری بر اساس شدت) است (محمدپور، ۱۳۹۲؛ Patton, 2015). در میدان مجازی، دو پلتفرم اینستاگرام و پینترست انتخاب شده‌اند که به مثابه منابع نشانه عمل می‌کنند. علت انتخاب اینستاگرام شهرت آن است که بیش از ۲۰ میلیون کاربرد در ایران دارد. پینترست نیز پلتفرمی است که شیوع ندارد اما مملو از عکسهایی است که در راستای تایید اینستاگرام عمل کرده و به پاسخگویی به اهداف مقاله کمک می‌کند. شیوه انتخاب پیچ‌ها در این دو پلتفرم بر اساس شدت ویژگی قابل توجه در عکس است. بدین معنا که سعی شده است متونی انتخاب شوند که داستان تعامل / تقابل سوژه و فضاهای جمعی را با بیشترین غنا و پیچیدگی روایت کنند. بدین منظور ۱۳ عکس از اینستاگرام و ۲ عکس از پینترست انتخاب شدند. جدول ۱ بیانگر حجم نمونه است.

جدول ۱. حجم نمونه

instagram/land_styles	instagram/shahre.alamdaran	instagram/west_tehran
instagram/maedemoradi2	pinterest/sakhtemooncom	pinterest/accidents.ir
instagram/decorland_ir	instagram/mosalaserang	instagram/jahizie_taze_aaros
instagram/Mozhganhalandari	https://persianv.com	intstagram/konkooiha
instagram/700ou	insragram/amazing.baloon	instagram/hesse.zibayi

شیوه اعتبارسنجی داده‌ها در این تحقیق از نوع اعتبار فرارونده است. اعتبار فرارونده نوعی ارزیابی است که در آن گزارش کیفی باید به سمت فرایندها، مفاهیم و ایده‌ها و معانی فراتر از شکل ظاهری عرصه مورد مطالعه پیش برود (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷: ۱۱۷). در این مقاله نیز تصاویر در ظاهر امر یک معنای صریح منتقل می‌کنند اما مطالعه گزارش مقاله، معانی فراتری را برای مخاطب تدارک دیده‌اند.

## ۱۰. یافته‌های پژوهش

در این مقاله بعد از انجام مراحل نشانه‌شناسی به چند رمزگان فرهنگی رسیدیم. این رمزگان شامل «انتخابی شدن زندگی روزمره»، «بدن‌مندی و فردیت در زندگی روزمره»، «سوژگی مناسکی»، «دیگری فربه» و «سوژه‌ی سرکوفت‌خورده» هستند. رمزگان فرهنگی نهایی و تبیین‌کننده «سوژه آنالین ازهم‌گسیخته» است.

## ۱۱. انتخابی شدن زندگی روزمره

در دو عکس مورد تحلیل، مردان و زنانی را کنار دریا و در جنگل می‌بینیم. وجود کودک و لمس فیزیکی، رابطه‌ی مشروع و از نوع ازدواجی را نشان می‌دهد. چهره افراد شاد و آنها لباس‌های روشن بر تن دارند. همنشینی انسان در این محیط‌ها بر این امر دلالت دارد که ازدواج و فرزند داشتن امری طبیعی است. در این مرحله به رمزگان فرهنگی موجود در جامعه ایران پل می‌زنیم. در ایران کنونی، برخی افراد سعی دارند در زندگی خود در مورد همسرگزینی و باروری دست به انتخاب بزنند. در حالی که ازدواج غالب در ایران قدیم از نوع خویشاوندی، سببی، نسبی و ترجیحی بود؛ امروزه سوژه‌های ایرانی عشق فردی را امری مهم در زندگی می‌دانند و سعی دارند علیرغم محدودیت‌های خانوادگی، خود، زوج خویش را برگزینند. تحقیقات نشان می‌دهد الگوی همسرگزینی از ارزش‌های جمع‌گرایانه مثل اهمیت خانواده و والدین به سمت فردگرایی (اهمیت خود فرد و عشق) در حال تغییر است. تا قبل از دهه ۱۳۴۰ از نظر ۶۰ درصد از افراد، نظر والدین در انتخاب همسر تعیین‌کننده بود، در حالی که این عدد از دهه ۱۳۷۰ به ۵۵ درصد رسید (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۲۷). نتایج پیمایش ملی نشان می‌دهد که در دهه ۱۳۸۰ تنها ۲۴ درصد افراد موافقت

والدین را پایه و اساس ازدواج می‌دانند و ۵۵ درصد افراد، عشق را ملاک مهمتری ارزیابی کرده‌اند. تأخیر در ازدواج یعنی بالا رفتن سن ازدواج (جنادله و رهنما، ۱۳۹۴)، ظهور الگوهای جدید روابط بین زن و مرد مثل ازدواج سفید، افزایش خانواده‌های تک فرزند و کاهش باروری در بسیاری از استان‌های ایران به دلیل رشد فردگرایی (رستگارخالد و محمدی، ۱۳۹۳؛ صادقی، ۱۳۹۵؛ شاه آبادی و همکاران، ۱۳۹۲) نشان می‌دهند که فردیت در انتخاب در ایران افزایش یافته است.



شکل ۲. [instagram/maedemoradi2](https://www.instagram.com/maedemoradi2)



شکل ۱. [instagram/land\\_styles](https://www.instagram.com/land_styles)

## ۱۲. بدن‌مندی و فردیت در زندگی روزمره

در سه عکس مورد تحلیل انسان، وسایل آرایش و اسباب منزل وجود دارد. در عکس اول، لوازم منزل همگی همنوا و با تم زرد و سبز هم‌نشین شده‌اند. جمله «از صدای سخن عشق» وجود محبت در محیط را وعده می‌دهد. در عکس دوم، دختر جوانی آرایش کرده است و به دوربین نگاه می‌کند. نگاه متمرکز بر دوربین نشان از شادی و تسلط اوست.



بازنمود فردیت در فضای مجازی: ... (احسان آقابابایی و جمال محمدی) ۱۷



شکل ۳. [instagram/hesse.zibayi](https://www.instagram.com/hesse.zibayi)



شکل ۴. [instagram/Mozhganghalandari\\_](https://www.instagram.com/Mozhganghalandari_)



شکل ۵. [instagram/decorland\\_ir](https://www.instagram.com/decorland_ir)

در عکس سوم، ابژه یک لاک است و نکات آرایش کردن در واقع نکات لاک زدن را تبلیغ می‌کند. رمزگان حاکم بر این عکس‌ها مبتنی بر بدنمندی و فردیت است. در ایران دهه ۱۳۹۰ با افزایش سطح تحصیلی افراد به مدیریت بدنی خود اهمیت بسیار می‌دهند. درحالی که «ست کردن» در نسل‌های گذشته معنای چندانی نداشت امروزه افراد سعی دارند که لباس‌های متمایز بپوشند، سرووضع خود را مرتب کنند، ادکلن مناسب بزنند و نمایش مقبولی از خود ارائه دهند. آنان برای این نمایش لنز می‌زنند، از لوازم آرایشی بسیار استفاده می‌کنند، از جراحی بینی، پروتز و بوتاکس واهمه‌ای ندارند. تحقیقات در ایران از این موضوع پرده برداشته‌اند که بدن یک امر فرهنگی فردی شده است. اهمیت دادن به تناسب اندام در میان زنان (فاتحی و اخلاصی، ۱۳۸۷)، فراگیر شدن جراحی زیبایی در میان

همه طبقات اجتماعی (کیوان آرا و همکاران، ۱۳۸۹)، تبدیل شدن آرایش به امری عقلانی برای کسب سرمایه نمادین (موحد و همکاران، ۱۳۸۹)، اهمیت بسیار زیاد تناسب اندام و رسیدن به آن از طریق ورزش، رژیم غذایی، استفاده از دارو در میان جوانان تهرانی (شالچی، ۱۳۸۶)، تبدیل شدن ایران به پایتخت جراحی بینی جهان (ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۷) و نمایش خود در اینستاگرام متفاوت با زندگی واقعی (هاشمی منفرد و ربیعی، ۱۳۹۶) از نتایج این تحقیقات است. (Corresponding Author) علاوه بر این، برای سوژه ایرانی «انتخاب مدل، رنگ، پلاک و ملیت اتومبیل راهبردی برای بازنمایی هویت افراد محسوب می‌شود» (شهابی و هوشنگی، ۱۳۱: ۱۳۹۱). از این رو، برخی از سوژه‌های ایرانی در انتخاب مبلمان، رنگ پرده‌ها و دیوارها را در نظر می‌گیرند تا با مارک یکسان لوازم منزل جور باشد. این وضعیت سوژگی اولاً تنها مخصوص جوانان نیست و همه گروه‌های سنی، «برنامه‌هایی» برای پروژه خود را به اشکال مختلف اجرا می‌کنند و در ثانی اگر امکان مالی نداشته باشند میل به این فردیت را در سر می‌پروراند.

### ۱۳. سوژگی مناسکی

سوژه مناسکی سوژه ای است که معنای زندگی را بر اساس برپایی آیین‌ها فهم می‌کند. کنش مناسکی، مقدم بر برآورد ذهنی است و نوعی الزام آیینی را بر فرد اعمال می‌کند. سوژه مناسکی ایرانی در طول سال از یک آیین به آیین دیگر نقل مکان می‌کند و سوژگی خود را در گرو تبعیت از این رسوم برمی‌سازد. مناسک واجد قواعد پیچیده‌ای در اجرا هستند که سوژه‌هایی تمام‌وقت را می‌طلبند تا در برپایی آن سهیم و با جان و دل در آن شریک باشند. مناسک هم سوژه‌هایی را دارد که به‌طور مستقیم آن را برپا می‌کنند و هم سوژه‌هایی که به‌طور غیرمستقیم به برپایی آن کمک مالی می‌کنند. برخی به‌تمامی سرسپرده آن هستند و برخی هرچند آن را قبول ندارند اما وضعیت تعاملی حوزه عمومی آن‌ها را ملزم به شرکت یا احترام می‌کند. در ایران معاصر سه دسته مناسک اصلی قابل تمییز است: مناسک دینی - سنتی، مناسک باستانی و مناسک سکولار.

**مناسک دینی - سنتی:** در دو عکس، انسان، چادر، لباس سیاه، پرچم، ماسک، و زنجیر دیده می‌شوند. مردان در حال عزاداری در یک محیط شهری برای یک مراسم هستند. ماسک نشان از برپایی مراسم در دوره کرونا را دارد. زن و کودک نیز در امتداد یک خیابان

بازنمود فردیت در فضای مجازی: ... (احسان آقابابایی و جمال محمدی) ۱۹

آسفالت شده از دوربین دور می‌شوند. رمزگان حاکم بر این دو عکس، سوگواری امام حسین (ع) به عنوان یک رسم دینی است. این مناسک بر مبنای پایبندی به امر قدسی، مکان مقدس و قواعد ایجابی گذشتگان برگزار می‌شود. مراسم مذهبی مثل عاشورا (پوشیدن لباس سیاه، سینه‌زنی، نذری، تعذیه)، رمضان (خرید و طبخ، افطار به همراه سریال، چهل منبری)، مراسم حج (عمره و تمتع)، مراسم ازدواج (خواستگاری، بله‌برون، حنابندون، پاتختی، جهازبینون، شب‌چله‌ای، عید اول) و مراسم تدفین (خاکسپاری، ترحیم، سوم، هفته، چهل‌م، عید اول، سال) نمونه‌هایی از این دست هستند. به‌طور مثال فیاض و رحمانی (۱۳۸۶) با تحلیل سفرنامه‌های غربیان از مناسک عاشورا نشان می‌دهند که مناسک عاشورا مهمترین و اصلی‌ترین آیینی است که آگاهی جمعی شیعیان ایرانی در آن تولید و بازتولید می‌شود. از نظر آنان:

مناسک کربلا مناسک هویتی قبیله شیعه است و امام حسین (ع) شخصیت اصلی آن است. مومنان در مناسک مربوط به آن و به‌واسطه سرایت تقدس اسن توتوم و نمادهای آن در اجرای برگزاری مناسک در این تقدس شریک می‌شوند و خویشتن دینی‌شان را که همان خویشتن اجتماعی‌شان هم هست، همراه تجربه‌ای دینی به‌دست می‌آورند (فیاض و رحمانی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).



شکل ۷. [instagram/700ou](https://www.instagram.com/700ou)



شکل ۶. [instagram/shahre.alamdaran](https://www.instagram.com/shahre.alamdaran)

**مناسک باستانی:** در عکس سمت راست مورد تحلیل به جز انسانها، در حوزه عمومی جرقه‌های آتش در حال دوران است. تصویری در پس زمینه ماشین پرایدی در حال

حرکت است. در عکس سمت چپ در حوزه خصوصی، میزی چیده شده با سماور، انارهای تزئین شده به رنگ طلایی و شیشه گل های قرمز در گلدان و دانه های انار در کنار یک کیک که شکل هندوانه تزئین شده است. نشانه های انار و هندوانه به مدلول میوه ارجاع دارند اما در نظام معنایی به همراه زوج خوشبخت با پیراهنهایی به آرم انار به یک میهمانی یا جشن ویژه دلالت دارند. رمزگان فرهنگی این جشن، مناسک باستانی ایرانیان است. منظور آیین هایی است که از ایرانیان باستان برجای مانده است. عمده ترین این آیین ها شب یلدا، مراسم نوروز و چهارشنبه سوری است و تلاش هایی برای زنده کردن برخی دیگر مثل مهرگان هرساله صورت می گیرد. در شب یلدا آجیل و میوه توسط سوژه مناسکی خریداری شده و ایرانیان دور هم جمع می شوند. در آهنگ «شب طولانی» می شنویم «یه شب طولانی... کنار اونایی... که دوستشون داری و دوست دارن و تو خوشحالی». سوژه به مدد این آیین جای رفتگان را خالی کرده و از انار و هندوانه لذا می برد. در اسفند ماه، سازوکارهای بازار در پاسخ به وقوع عید نوروز شروع به کار می کند. این سازوکارها وسایل خوراکی مثل گز، آجیل، میوه و گوشت، وسایل تزئینی مثل وسایل سفره هفت سین، ماهی قرمز، پرده و مبیل را فعال می کنند. سازوکار همبستگی اجتماعی نیز از طریق دیدوبازدیدها تقویت می شود. در ترانه بوی عیدی محصول ۱۳۵۵ که در ایران قرن بیست و یکم دوباره وجه نوستالژیکی به خود گرفته است می شنویم: «بوی عیدی، بوی توپ، بوی کاغذرنگی / بوی تند ماهی دودی وسط سفره نو / بوی یاس جانماز ترمه مادر بزرگ / با اینا زمستونو سر می کنم، با اینا خستگیمو در می کنم». برخی از سوژه هایی که چنین آهنگی را می شنوند، از گرفتن عیدی به شکل اسکناس و خرید لباس های نو لذت می برند. بوی عطر آیین باستانی با عناصری از زندگی روزمره گره خورده تا بتواند سردی زمستان را تحمل کرد و از آمدن فصل بهار شادمان شود.



شکل ۸. [instagram/mosalaserang](https://www.instagram.com/mosalaserang)



شکل ۹. [pintrest/sakhtemooncom](https://www.pinterest.com/sakhtemooncom)

**مناسک سکولار:** در عکس سمت راست، یک کیک قرار دارد و جشن طلاق برجسته شده است. یک بیت شعر در بالای کیک وجود دارد که رهایی از دست دلبر شیرین را به استهزا می‌گیرد. در اینجا از طلاق آشنایی‌زدایی شده است. یک پدیده تراژیک به یک پدیده کمیک و شادی آور بدل شده است. کیک بزرگ در میهمانی‌ها سفارش داده می‌شود. این میهمانی یک آیین برای رهایی از ازدواج است. در پی نوشت این مقاله عکس سمت چپ تحلیل شده است. هر دو عکس به مناسک سکولار تعلق دارند. رسومی که به نظر می‌رسد در طبقات بالای جامعه در حال گسترش است. رسومی چون جشن طلاق، جشن دندان، پدرخواندگی، جشن دندان و جشن پی پی نمونه‌ای از این دست هستند. سوژه‌ی سرسپرده به مناسک سکولار به‌لحاظ فرمی آیین متفاوتی را نسبت به مناسک دینی اجرا می‌کند اما به‌لحاظ ساختاری محصول آیین محسوب می‌شود.



نمونه‌ای از جشن دندان به نقل از:  
[insagram/amazing.baloon](https://www.instagram.com/amazing.baloon)



کیک جشن طلاق به نقل از:  
<https://persianv.com>

#### دیگری فربه

در عکس سمت راست، ماشین، موتور و جمعیت عابران در یک بافت شهری نشان داده می‌شوند. این مجموعه از نشانه‌ها به «ترافیک» ارجاع دارند. نظام فرهنگی، «اتومبیل کم کیفیت»، «خرابی جاده‌ها»، «مدیریت ضعیف شهری» و «رانندگی بد ایرانیان» را مسئول ترافیک می‌داند. نتیجه این احوالات در اتوبوس تصادفی عکس سمت چپ نمایان است. این نشانه نیز در رابطه با تلفات جاده ای در همان نظام فرهنگی قرار می‌گیرد. در این نظام ارجاع، جای «خود فرد» خالی است. برخی از سوژه‌های ایرانی در تعاملات خود دائماً عاملیت وضعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را بیرونی قلمداد کرده و «دیگری» را مسئول می‌دانند. «دیگری» یک نیروی مهم برای سوژه است که مقدم بر اراده او عمل می‌کند. تقدیر، دولت، والدین و سایر رانندگان همگی مسئول رویدادها هستند. این نوع فرافکنی پارانویاوار نشان می‌دهد که «دیگری» از نظر سوژه‌های ایرانی چنان فربه است که تمامی احوال به دست اوست و خود سوژه با منطق «چون بقیه بدینگونه رفتار می‌کنند پس من هم چنین رفتار می‌کنم» از فردیت شانه خالی می‌کند. به‌عنوان مثال میزان تلفات جاده‌ای در طول دو دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ در ایران بین ۱۵ تا ۲۸ هزار گزارش شده است. دوربین‌های مداربسته در جاده‌ها بسیار است. در داخل کلان‌شهرها رانندگی همراه با اضطراب و پرخطر است. وقتی از یک ایرانی می‌پرسید که چرا وضع بدینگونه است می‌گوید «مردم رعایت نمی‌کنند». آنگاه خود او نیز قوانین را رعایت نمی‌کند و در کامنتی می‌نویسد «چون بقیه مردم به قوانین احترام نمی‌گذارند چرا من آن را رعایت کنم؟».



شکل ۱۰. [pinterest/accidents.ir](https://www.pinterest.com/accidentsir/)



شکل ۱۱. [instagram/west\\_tehran](https://www.instagram.com/west_tehran/)

#### ۱۴. سوژه سرکوفت خورده

در عکس سمت راست، گلدانها، جاشمعی، مبل، کوسن همگی نقره‌ای رنگ و در یک بافت خانگی مدرن قرار دارند. نظام فرهنگی این عکس «نوعروس»، «چشم و همچشمی» و «مصرف تظاهری» است. در اینجا «چشم و هم چشمی» را مینا قرار می‌دهیم. در عکس دوم، لب تاپ، قهوه، کاپ کیک، موبایل، دفتر، خودکار، جامدادی، ظرف کُرن فلکس همراه با میوه به «لذت مطالعه» برای کنکور ارجاع دارند. نظام فرهنگی در اینجا بر «چشم و همچشمی» نیز متکی است. ما در این مقاله سوژه برساخت شده در این نظام فرهنگی را سوژه سرکوفت خورده<sup>۱</sup> می‌نامیم. سوژه‌ی سرکوفت‌خورده، سوژه‌ای است که به‌طور دائم بابت کنش‌های کرده و نکرده‌اش ملامت شده و با دیگری مقایسه می‌شود. مقایسه دائم کودک - نوجوان با بچه‌های فامیل و همسایه، مقایسه رتبه کنکور، نمره پایان‌نامه، چشم و هم‌چشمی مصرفی و طبقاتی مثال‌هایی هستند که نشان می‌دهند سوژه ایرانی دائم خود را در «وضعیت مقایسه» ببیند. وضعیتی که دائم ردپای «دیگری برتر» در آن دیده شده و سوژه احساس حقارت دارد.



شکل ۱۲. [instagram/konkooriha\\_](https://www.instagram.com/konkooriha_)



شکل ۱۳. [instagram/jahizie\\_taze\\_aeroos](https://www.instagram.com/jahizie_taze_aeroos)

### ۱۵. سوژه آنلاین از هم گسیخته

کدهای «انتخابی شدن زندگی روزمره» و «بدن‌مندی و فردیت در زندگی روزمره» به ما نشان می‌دهند که برخی از سوژه‌های ایرانی در بطن یک نظام فرهنگی با واسطه «تصویر» به فردیت به عنوان شاخصی از مدرنیته رسیده‌اند. اما کدهای «سوژه مناسکی»، «دیگری فربه» و «سوژه سرکوفت خورده»، کذب بودن این فردیت را برملا می‌کنند؛ چراکه سرسپردگی به مناسک، دیگری فربه و خویش‌سرکوب شده، رمزگان مسلطی پس پشت هستی‌نمادین برخی از سوژه‌هاست. در اینجا است که با اتکا به لنز نظری می‌توان به یک کد نهایی رسید. به نظر ما، برخی از سوژه‌های امروز ایران نه یک سوژه مدرن بلکه یک سوژه واپاشیده شده هستند. ما این سوژه را «سوژه آنلاین از هم گسیخته» می‌نامیم. امروزه در پی افزایش ضریب نفوذ اینترنت و گسترش فضای مجازی، سوژه ایرانی به یک «سوژه آنلاین» بدل شده است. سوژه آنلاین در معرض واقعیت پیچیده، متناقض و چندوجهی فضای مجازی قرار می‌گیرد و با دریافت اطلاعات متکثر به موجودی کم‌حافظه بدل می‌شود. فرکانس‌ها همچون بمب به‌طور لحظه‌ای در ذهن او عمل کرده و اطلاعاتی را پراکنده می‌کنند. این اطلاعات دائم در حال نوشدن هستند و با این کار هستی مستقل سوژه را تصرف می‌کنند. این امر موجب شکل‌گیری یک ذهن کشکولی می‌شود که دائم از یک



منبع - معنا به منبع - معنای دیگری رجوع می‌کند و از اطلاعات متناقض انباشته می‌گردد. چنین سوژه‌ای بر ساختی از گفتمان رسانه‌ای و تهی از فردیت است.

## ۱۶. نتیجه‌گیری

ایرانیان طی بخش عمده‌ای از تاریخ همواره در زیست‌جهان‌هایی کم‌وبیش یک‌پارچه زیسته‌اند و به‌رغم وجود تفاوت‌های میان بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی در جوامع پیشین، آن‌ها از طریق نوعی نظم معنایی یکپارچه‌ساز به یکپارچگی می‌رسیدند. معنای ساده این نظم آن بود که نمادهای یکپارچه‌ساز به‌طور یکسان بخش‌های مختلف زندگی روزمره فرد را در بر می‌گرفتند و فرد در همه حال پیوسته در «همان جهان» بود. اما در جامعه شدیداً تقسیم‌شده پست مدرن، بخش‌های گوناگون زندگی روزمره افراد، آنان را به جهان‌های معنایی و تجربی کاملاً متفاوت و غالباً ناسازگار مرتبط می‌کنند. این چندگانه‌شدن نه تنها در سطح رفتار اجتماعی ملموس، بلکه در سطح آگاهی نیز نمود دارد و بُعد بنیادی این چندگانه‌شدن، بروز دوگانگی در عرصه‌های عمومی و خصوصی است.

در جامعه ایران، مناسک و فضاهای جمعی مجازی مأوایی برای رشد فردیت نیستند، بلکه به واقعیت‌هایی سرکوبگر که «خود» فرد را تحریف می‌کنند و بیگانه می‌سازند، بدل می‌شوند. نقش‌ها دیگر به «خود» فعلیت نمی‌بخشند، بلکه همچون «حجاب و هم»، خود فرد را نه تنها از دیگران، که از آگاهی خویش نیز پنهان می‌دارند. گویی فقط در شکاف‌های خالی مانده از اشغال نهادها است که فرد می‌تواند به خویش‌تن‌یابی یا تصریح خویش امید بندد. لذا فرد ایرانی تقریباً محکوم به جستجوی مداوم برای بازیابی خویش‌تنی است. این فرد در فضاهای مختلفی زیست می‌کند که به‌لحاظ تاریخی و معرفت‌شناختی سطوح واحدی ندارند. سرگستگی در فضای مجازی، ذهنیتی منقسم و سوژه‌ای چندپاره خلق می‌کند که همواره گوش به فرمان خبرهاست. از این رو، در جریان‌ات دائماً سیال واقعیت قرن بیست و یکم نمی‌توان انتظار یک سوژگی خودبنیاد برای داشتن یک جامعه دموکراتیک را انتظار داشت.

## پیوست‌ها

- در این بخش نحوه کاربست روش بر روی یک تصویر به عنوان یک مورد اعمال می شود:
- ۱- در این تصویر نشانه‌های بادکنک، دیوار، اسم کودک به انگلیسی بر دیوار، برچسب نقاشی دندان بر دیوار، کیک تولد با محوریت دندان، کودک کروات زده، دست آدم بزرگ‌سالی که کودک را نگه داشته است وجود دارد.
  - ۲- در این تصویر بادکنک، کیک، دیوار تزیین شده همگی نشانه یک جشن هستند. کودک با کروات که زده است کودکی شاد و متعلق به خانواده‌ای با سبک زندگی مدرن است. دست بزرگسال برای نگه‌داشتن کودک برای عکاسی نشانه مسئولیت‌پذیری والدین برای مراقبت از کودک است.
  - ۳ و ۴- در این جا ارتباط میان نشانه‌های جشن و کودک در تصویر مراسم «جشن دندان» را بازنمایی می‌کنند. دست نگه‌دارنده کودک، یک دست فرهنگی و نیرویی برای برگزار کردن یک آیین است. مشخصاً این دست بیان‌گر آن است که اراده کودک عاملیتی برای برگزاری جشن ندارد اما کودک کروات و برچسب انگلیسی، سستی بودن جشن را انکار می‌کند.
  - ۵- این تصویر جزئی از نظام فرهنگی مناسک سکولار در ایران است



## پی‌نوشت

۱. متفکران ایرانی، سوژه سرکوب شده را بر سرکوفت خورده ترجیح داده و آنرا محصول جریانی تاریخی می‌دانند. از نظر فراستخواه (۱۳۹۴) تاریخ و جغرافیای پرحادثه، شرایط استبداد،

مناسبات ارباب رعیتی، زیست ایلیاتی ناپایدار و پدرسالاری عواملی هستند که باعث شکل‌گیری خلیقات ویژه ایرانی شده‌اند. یکی از این خلیقات سوژه‌ی سرکوب‌شده است. به باور ما در این مقاله، سوژه ایرانی بیش از آنکه سرکوب شود، سرکوفت می‌خورد.

## کتاب‌نامه

- اکو، امبرتو (۱۳۹۶). به سوی منطق فرهنگ، در امیرعلی نجومیان (گزینش و ویرایش). *نشانه‌شناسی: مقالات کلیدی*، تهران: انتشارات مروارید.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سمت.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳). «فردگرایی در ایران افراطی شده است»، شرق، شماره ۲۱۸۳.
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۸۹). *تراشیدم، پرستیدم، شکستم*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- تاج‌الدین، محمد باقر (۱۳۹۷). *تجدد و ناخرسندی‌های آن در ایران*، تهران: نشر نقد فرهنگ.
- جلایی پور، حمیدرضا (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌کژمدرن*، تهران: نشر علمی.
- جی دان، رابرت (۱۳۸۵). *نقد اجتماعی پست مدرنیته*، ترجمه‌ی صالح نجفی، تهران: پردیس دانش.
- خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۷). *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: نگاه دانش.
- دولا کامپانی، کریستیان (۱۳۸۲). *تاریخ فلسفه در قرن بیستم*، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: آگه.
- دیویس، تونی (۱۳۸۶). *اومانیزم*، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- ذکایی، محمد سعید و فرزانه، حمید (۱۳۸۷). «زنان و فرهنگ بدن: زمینه‌های انتخاب جراحی‌های زیبایی در زنان تهرانی»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۴ شماره ۱۱: ۴۵-۶۵.
- رستگار خالد، امیر و محمدی، میثم (۱۳۹۳). «تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۶، شماره دوم، ۱۸۰-۱۵۹.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶). *توسعه و تضاد*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- سجویک، پیتیر (۱۳۸۸). *دکارت تا دریدا (مروری بر فلسفه ی اروپایی)*، ترجمه محمدرضا آخوندزاده، تهران: نشر نی.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۴). «معنا و مبانی سکولاریسم»، *مجله کیان*، شماره ۲۶.
- سببیاک، تامس آلبرت (۱۳۹۱). *نشانه‌ها: درآمدی بر نشانه‌شناسی*، ترجمه محسن نوبخت، تهران: علمی.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۶). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

- شالچی، وحید (۱۳۸۶). «سبک زندگی جوانان کافی شاپ»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱: ۹۳-۱۱۵.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۹). *آمیزش افق‌ها*. تهران: نشر فرزانه روز.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۲). *افسون زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار*، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران، نشر فرزانه روز.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۲). *آسیا در برابر غرب*، تهران، نشر فرزانه روز.
- شریعتی، علی (۱۳۹۴). *بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی*، مشهد: نشر سپیده باوران.
- شهابی، محمود و هوشنگی، طاهره (۱۳۹۱). «جوانان و فرهنگ اتومبیل: تحلیل معانی، انگیزه‌ها و کارکردهای استفاده از اتومبیل شخصی در بین جوانان شهر تهران»، *علوم اجتماعی*، شماره ۵۸: ۱۰۹-۱۴۴.
- صادقی، رسول (۱۳۹۵). «تحلیل بسترهای اجتماعی فرهنگی کاهش باروری در ایران»، فصلنامه *راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، سال ۵، شماره ۲۴۶: ۱۰-۲۱۷.
- فاتحی، ابوالقاسم، اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۷). «مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)»، فصلنامه علمی- پژوهشی *مطالعات راهبردی زنان* (کتاب *زنان سابق*) ۱۱ (۴۱): ۹-۴۲.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). *ما ایرانیان*، تهران: نشر نی.
- فیاض ابراهیم و جبار رحمانی (۱۳۸۶). «مناسک عزاداری و وجدان جمعی در تشیع ایرانی»، فصلنامه *پژوهشی دانشگاه امام صادق (نامه صادق)*، شماره ۳۲: ۱۱۹-۱۰۱.
- کاظمی، عباس (۱۳۹۵). *امر روزمره در جامعه پساانقلابی*، تهران: فرهنگ جاوید.
- کیوان آرا، محمود، ربانی، رسول، ژیانپور، مهدی (۱۳۸۹). «قشر بندی اجتماعی و اصلاح بدن (جراحی زیبایی به مثابه نماد پایگاه اجتماعی)»، فصلنامه علمی- پژوهشی *مطالعات راهبردی زنان* (کتاب *زنان سابق*) ۱۲ (۴۷): ۷۳-۹۸.
- لش، اسکات (۱۳۸۴). *جامعه شناسی پست مدرنیسم*، ترجمه‌ی حسن چاووشیان، تهران: نشر مرکز.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق ضد روش ۲*. تهران: جامعه شناسان.
- مکوئیلان، مارتین (۱۳۸۸). *گزیده مقالات روایت*، ترجمه‌ی فتاح محمدی، تهران: مینوی خرد.
- موحد، مجید، اسفندیار غفاری نسب و حسینی، مریم (۱۳۸۹). «آرایش و زندگی اجتماعی دختران جوان، زن در توسعه و سیاست»، شماره ۱ (۲۸).
- میل، الف (۱۳۸۵). *رساله درباره آزادی*، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی. تهران: علمی و فرهنگی.
- میلر، پیتر (۱۳۸۸). *سوژه، استیلا و قدرت*، ترجمه‌ی نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.

بازنمود فردیت در فضای مجازی: ... (احسان آقابابایی و جمال محمدی) ۲۹

- میلز، آندرو و جف براویت (۱۳۸۵). *درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر*، ترجمه‌ی جمال محمدی، تهران: ققنوس.
- نادله، علی و رهنما، مریم (۱۳۹۴) «دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های ملی)»، خانواده پژوهی، سال دهم، شماره ۳۹: ۲۷۷-۲۹۶.
- نراقی، احسان (۱۳۷۸). *ما و جهان امروز*، تهران: سخن
- نصر، حسین (۱۳۸۳). *انسان و طبیعت (بحران معنوی انسان متجدد)*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نیکزاد، مهرداد (۱۳۸۲). «تحلیل اجتماعی کنشهای مصرفی»، *نامه پژوهش فرهنگی*، سال هشتم، شماره ۷: ۱۸۱-۲۱۲
- هاشمی منفرد، آزاده و ربیعی، علی (۱۳۹۶). «مطالعه موردی شیوه نمایش خود در کاربران صفحه اجتماعی اینستاگرام»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، سال ۲۶ شماره ۷۸: ۱۹۴-۱۵۷
- هان، شان (۱۳۹۷). *این بدان معناست آن بدین معنا: درآمدی مصور بر نشانه‌شناسی*، ترجمه: مجتبی پردل، مشهد: انتشارات ترانه

- Alcoff, L. (1988). "Cultural Feminism versus Post-structuralism: The Identity Crisis in Feminist Theory". *Signs: Jurnal of Women and Culture*, 13(3), PP 405-436
- Appelrouth, S., & Oredes, L. (2006). *Sociological Theory Contemporary Era*, Pire Ferg Press.
- Barker, C., & Galasinski, D. (2001). *Cultural Studies and Discourse Analysis*, London. Thousands Oaks, New Delhi: SAGE.
- Butler, J. (1987). *Subject of Desire: Hegelian Reflection in Twentith Country France*. New York: N.Y. Columbiab University Press.
- Demant, P. R. (2006). *Islam vs. Islamism: The Dilemma of the Muslim World*. London : Praveger
- Foucault, M. (1983). The Subject and Power. In H. Deryfuse & P. Rabin (Eds). *Beyond structuralism and Hermonotics*. Sussex: Harvester Press.
- Hall, S. (1996). Who Needs Identity? In S.Hall & P.Dugay (Eds). *Questions of Cultural Identity*. London: SAGE.
- Hawkes, D. (2003). *Ideology*. London and New York: Routledge.
- Malpas, S. (2005). *The Postmodern (The New Critical Idiom)*. New York: Routledge.
- Mansfield, N., & James Bennett Pty. Ltd. (2003). *Subjectivity: Theories of the self from Freud to Haraway*. Crows Nest. N.S.W: Allen & Unwin.
- Massumi, B. (1992). *A Users Guid to Capitalism and Schizophernia: Deviations from Deleuze and Guattari*. Cambdridge, Mass: MIT Press.

- Morris, B. (1985). "The Rise and fall of the Human Subject". *Man*, New Series, Vol.20, No.4, PP: 722-742.
- Noth, W. (2014). *Handbook of semiotics*. Bloomington ; Indianapolis : Indiana University Press.
- Oswell, D. (2008). *Culture and Society*. London: SAGE.
- Patton, M. Q. (2015). *Qualitative Research and Evaluation Methods*. London: SAGE.
- Rose, G. (2002). *Visual Methodologies: An Introduction to the Interpretation of Visual Materials*. SAGE Publication
- Weedon, C. (2004). *Identity and Culture: Narratives of Differences and Belonging*. London: Open University Press.